

نوروز در آینه روایات معصومین(ع)

عید نوروز که از دیرباز مورد توجه بوده و قوم ایرانی ارزش و اهمیت خاصی برای این عید قائل بوده است، مورد تأیید روایات متعددی است و روایت معتبری که بر بی‌اعتباری آن از نظر اسلام دلالت کند، وجود ندارد.

عید نوروز که از دیرباز مورد توجه بوده و قوم ایرانی ارزش و اهمیت خاصی برای این عید قائل بوده است، مورد تأیید روایات متعددی است و روایت معتبری که بر بی‌اعتباری آن از نظر اسلام دلالت کند، وجود ندارد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی ایران (ایکنا)، «نوروز در آینه روایات» مطلبی است از محمدرضا ضمیری که ضمن دسته‌بندی روایات اسلامی در مورد عید نوروز و سنجش آن‌ها، به تحلیلی از دعای تحویل سال و اشاره‌ای به آداب اسلامی بیان‌شده برای این عید پرداخته است که در ادامه از نظر خوانندگان می‌گذرد.

عید نوروز یکی از سنت‌های ملی و اعیاد ایرانیان است که از دیرباز مورد توجه بوده و قوم ایرانی ارزش و اهمیت خاصی برای این عید قائل بوده است.

اما برای کسانی که معتقدند همه چیز را باید از منظر دین مورد بررسی و نفی و اثبات قرارداد، این پرسش مطرح است، که آیا دین اسلام و پیشوایان دین نسبت به این موضوع موضع‌گیری خاصی داشته‌اند یا خیر؟ آیا می‌توان از فنون دینی به چیزی دست یافت که دلالت بر تأیید و یا رد این سنت ایرانی از سوی پیشوایان دین کند؟

در مجموع می‌توان گفت که ما در متون روایی شیعه، در موضوع یادشده با دو دسته روایت روبرو هستیم؛ دسته نخست، روایاتی که سنت ایرانی نوروز، در آنها مورد تأیید قرار گرفته و «روزنوروز» مبارک قلمداد شده است و دسته دوم روایاتی که این سنت را تأیید نکرده و آن را سنتی خلاف اسلام شمرده‌اند.

در اینجا به نمونه‌هایی از دو دسته روایات اشاره می‌کنیم.

1. دسته اول روایات

معلى بن خنيس از امام صادق(ع)، روايتی را نقل کرده که در آن ضمن بزرگداشت نوروز، وقایع مختلف تاریخی برنوروز منطبق شده است. متن روایت یادشده از این قرار است:

معلى بن خنيس قال: دخلت على الصادق جعفر بن محمد، عليه السلام، يوم النيروز فقال، عليه السلام، اتعرف هذا اليوم؟ قلت: جعلت فداك، هذا يوم تعظمه العجم و تتهادى فيه، فقال ابو عبدالله الصادق، عليه السلام، والبيت العتيق الذى بمكة ما هذا الامر قديم افسره لك حتى تفهمه. قلت: يا سيدى ان علم هذا من عندك احب الى من ان يعيش امواتى و تموت اعدائى! فقال: يا معلى! ان يوم النيروز هو اليوم الذى اخذ الله فيه موثيق العباد ان يعبدوه و لا يشركوا به شيئاً و ان يؤمنوا برسله و حجه، و ان يؤمنوا بالائم، عليه السلام، و هو اول يوم طلعت فيه الشمس، و هبت به الرياح، و خلقت فيه زهرة الارض، و هو اليوم الذى استوت فيه سفينة نوح، عليه السلام، على الجودي، و هو اليوم الذى احيى الله فيه الذين خرجوا من ديارهم و هم الوفاء حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم (75) و هو اليوم الذى نزل فيه جبرئيل على النبی صلى الله عليه وآله و هو اليوم الذى حمل فيه رسول الله صل الله عليه وآله امير المؤمنين على، عليه السلام، منكبه حتى رمى اصنام قريش من فوق البيت الحرام فهشمها، و كذلك ابراهيم، عليه السلام، و هو اليوم الذى امر النبی، صل الله عليه وآله، اصحابه ان يباعدوا عينا، عليه السلام، بامرة المؤمنين، و هو الذى وجه النبی، صل الله عليه، عليا الى وادى الجن ياخذ عليهم بالبيعة له، و هو اليوم الذى بويع لامير المؤمنين، عليه السلام، فيه البيعة الثانية، و هو اليوم الذى ظفر فيه باهل النهروان و قتل ذالدية و هو اليوم الذى يظهر فيه قائمنا و ولادة الامر و هو اليوم الذى يظفر فيه قائمنا بالرجال فيصلبه على كناسة الكوفة، و ما من يوم نيروز الا و نحن نتوقع فيه الفرج، لانه من ايامنا و ايام شيعتنا، حفظته العجم و ضيعتمو انتم ... (2)

معلى بن خنيس گوید: در روز نوروز بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، ایشان فرمودند که آیا این روز را می‌شناسی؟ عرض کردم: فدایت گردم این روز، روزی است که غیر عربها (ایرانیان) آن را گرمای داشته و به یکدیگر هدیه می‌دهند، امام صادق، علیه السلام، فرمودند: قسم به خانه عتیقی که در مکه هست این (تعظیم و هدیه دادن) ریشه طولانی و قدیمی دارد و برای تو آن را توضیح می‌دهم تا از آن مطلع شوی، گفتم: ای آقای من چنانچه این مطلب را از تو بیاموزم برای من بهتر از زنده شدن

مردگانم و مردن دشمنان من است. حضرت فرمود: ای معلی! نوروز، روزی است که خداوند در آن از بندگان خویش میثاق گرفت که جز او را عبادت و پرستش نکرده و به او شرک نورزند و به فرستادگان و پیامبرانش و نیز ائمه هدی ایمان بیاورند. نوروز اولین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد و باد در آن وزیدن گرفت و در آن روز درخشندگی زمین خلق شد. نوروز روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی کناره گرفت و نوروز روزی است که افرادی که از خانه های خود خارج شده و به آزمایش الهی از دنیا رفتند، مجدداً به دنیا بازگشتند. در این نوروز است که جبرئیل بر پیامبر اکرم، صل الله علیه وآله، نازل شد و درست در همین روز است که پیامبر اسلام، حضرت علی را بر شانه خود گذاشت تا او بتهای قریش را از بیت الحرام پایین کشید و آنها را درهم شکست.

نوروز روزی است که پیامبر به اصحابش دستور داد تا در مورد خلافت و ولایت مؤمنان با حضرت علی علیه السلام بیعت کنند و در همین نوروز بود که پیامبر، صل الله علیه وآله، علی، علیه السلام، را به سوی جنیان فرستاد برای او از آنان یعت بگیرد. نوروز روزی است که برای حضرت علی بیعت مجدد گرفته شد و نوروز روزی است که حضرت علی، علیه السلام، بر اهل نهروان پیروز شد و ذوالثدیه را کشت و نوروز روزی است که قائم ما در آن روز ظاهر می گردد و بالاخره نوروز روزی است که قائم ما در این روز بر دجال پیروز می شود و او را بر زباله دان کوفه آویزان می کند و هیچ نوروزی نیست مگر آنکه ما در آن روز توقع ظهور حضرت حجت، عجل الله تعالی فرجه الشریف، را داریم چرا که این روز، از روزهای ما و شیعیان ما است که عجم (ایرانیان) آنرا گرمی دشته ولی شما آنرا ضایع نمودید ...

آنگونه که از حدیث فوق به دست آمد، روز نوروز پیوند عمیقی با مساله ولایت و رهبری مسلمانان دارد، از این روی شایسته است که عید نوروز را جشن ولایت دانسته و پیوسته در آن به یاد ظهور منجی عالم بشریت حضرت امام زمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف، باشیم.

2. دسته دوم روایات

روایتی از حضرت امام موسی بن جعفر، علیه السلام، نقل شده که ظاهر آن دلالت بر عدم تایید سنت نوروز از سوی پیشوایان دارد. در این روایت چنین آمده است:

حکی ان المنصور تقدم الى موسى بن جعفر عليه السلام بالجلوس للنهنته في يوم النيروز و قبض ما يحمل اليه فقال: اني قد فتشت الاخبار عن جدی رسول الله فلم اجد لهذا العيد خبرا و انه سنة الفرس و محابها ان اسلام و معاذ الله ان نحیی ما محابها الاسلام فقال المنصور انما نفعل هذا سياسة للجد فسالته بالله العظيم الا جلست فجلس (3)

حکایت شده که منصور به سوی امام کاظم علیه السلام فرستاد تا در روز نوروز برای تهنیت جلوس کند و آنچه بسوی او حمل می شد، بگیرد. حضرت فرمود من اخبار جدم رسول خدا را بررسی کردم و در آنها برای این عید خبری نیافتم و این سنت ایرانیان است که اسلام آن را محو کرده است و به خدا پناه می برم که چیزی را که اسلام محو کرده احیاء کنم. منصور در پاسخ گفت: ما این کار را برای اداره (سرگرمی) لشکریان انجام می دهیم و تو را به خدای بزرگ سوگند می دهم که در این مجلس بنشینی و آنگاه حضرت نشست.

مرحوم مجلسی در بحارالانوار روایت یادشده را مورد نقد و بررسی قرار داده و می فرماید:

«هذا الخبر مخالف لخبار المعلى و يدل على عدم اعتبار النيروز شرعا و اخبار المعلى اقوى سندا و اظهر بين الاصحاب» (4)

این خبر با اخبار معلى بن خنیس مخالفت داشته و دلالت بر بی اعتباری نوروز از جهت شرعی می کند، اما اخبار معلى از نظر سند قویتر بوده و در نزد اصحاب شهرت بیشتری دارد.

اما توجیهات دیگری نیز برای این روایت مطرح است که باختصار به آنها اشاره می کنیم:

1. این روایت به احتمال بسیار قوی در مقام تقیه ای بیان شده و حضرت در صدد بیان حکم واقعی عید نوروز نبوده است. زیرا منصور اصرار شدیدی برای حضور حضرت در جلسه داشته و می خواسته از آن بهره برداری سیاسی کند، اما امام نمی خواست از وجودش سوءاستفاده شود و حضرت برای اینکه در این جلسه حضور پیدا نکند به دنبال عذری بوده است. خصوصاً که این مجلس برای نظامیان برپا شده بود و از حساسیت ویژه ای برخوردار بوده است.

2. پاسخ دیگر آنکه عید نوروز سنت دیرینه ای بوده و همگان هم از آن اطلاع داشته اند. در صورتی که این عید مطلوب اسلام و

شرع نبوده، چرا در این رابطه روایت صریح و متقنی وجود ندارد و این مورد از مواردی است که مورد ابتلاء بخش وسیعی از مسلمانان است و در صورتی که حدیث معتبری وجود داشت، حتما نقل می‌شد.

3. سومین پاسخ آنکه علما و فقهای بسیاری آن را تایید کرده اند. به عنوان نمونه احمد بن فهد الحلی می گوید: یوم النوروز یوم جلیل (القدر) و تعینیه من السنة غامض مع ان معرفته امر مهم من حیث انه تعلق به عبادة مطلوبة للشارع و الامتثال موقوف علی معرفته (5)

روز نوروز، روز با ارزشی است ولی معین کردن آن در سال مشکل است با اینکه شناخت آن (نوروز) امر مهمی است چرا که عبادتی که مورد نظر شارع است به آن روز تعلق گرفته است و اطاعت آن عبارت متوقف بر شناخت آنست.

پس در نتیجه عید نوروز مورد تأیید روایات متعددی است و روایت معتبری که بر بی اعتباری آن از نظر اسلام دلالت کند، وجود ندارد.
دعای هنگام تحویل سال

یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا ال احسن الحال

ای دگرگون کننده قلبها و دیده ها! ای تدبیرگر شبان و روزان! ای متحول کننده سالها و حالتها! حالات ما را به نیکوترین حالات تبدیل نما!

این دعا بر چهار نکته اساسی تاکید دارد: 1- تحول 2- محور تحول 3- متحول کننده 4- هدف تحول

1- اصل تحول

این دعا به واژه های مختلفی تحول و دگرگونی را در همه ابعادش مطرح می کند، دگرگونی در قلب و دیده و شب و روز و سال و حوادث جاری در آن و حالات انسانی.

بر طبق این دعا جهان در عین سکون دارای تغییر و تحول عمیقی در درون خویش است و دامنه این تحول آنچنان گسترده است که از عالم خارج و آفاق گرفته تا عالم درون و انفس را شامل می شود و در واقع لازمه بقاء جهان به تحول و دگرگونی است.

2- محور تحول (محول)

این دعا علاوه بر اصل تحول و گستردگی آن به محول یعنی متحول شونده هم اشاره می کند، آنگونه که طبیعت از خواب زمستانی بیدار شده و بیابانها و کوهها لباس سبز رنگ زیبایی می پوشد و طراوت و نشاط خاصی می یابد و گلهای رنگارنگ زینت بخش زمین می شوند، گل سرسید هستی و خلیفه الله یعنی انسان هم باید متحول شود، تحول در همه ابعاد روحی و روانی او اعم از اندیشه، تفکرات، طرز نگرشها و باورها ... صورت پذیرد.

انسان مؤمن همیشه باید به فکر تحول در درون خود باشد و لازمه تکامل یافتن انسان متحول شدن اوست، این دعا بطور ظریفی به دگرگونی طبیعت و دگرگونی حالات انسانی اشاره می کند.

3- آوای توحید (محول)

در سرتاسر دعا و در هر فقره آن سخن از توحید است، دگرگون کننده قلبها و دیده ها پشت سرهم در آمدن شب و روز و رقم خوردن حوادث سال و حالات انسانی همه از قدرت و حکمت الهی سرچشمه گرفته است و برخلاف آنان که برای هریک از این عناوین خدایی قایل بودند به ارباب انواع اعتقاد داشتند، این دعا تاکید می کند که همه اینها یک خدا دارد و درواقع این دعا از کثرت گرایی به توحید دعوت می کند.

4. هدف تحول (محول الیه)

هدف این تحول عظیم که از اعماق طبیعت آغاز شده و به حالات انسان رسیده است، اینست که حالات انسانی به بهترین

حالات یعنی قرب الهی تبدیل شود.

احسن حال و قرب الهی هدف این تحول بزرگ است، با این نگرش دعای مزبور یک نظام آموزشی عقیدتی به معنای کامل است.

آداب دینی عید نوروز

در روایات، اعمال و آداب مختلفی برای این روز بیان شده که خود حاکی از ارزش و اهمیت این روز دارد:

1. طهارت و پاکیزگی

این دستورالعمل شبیه آدابی است که در سایر اعیاد اسلامی رعایت می شود.

قال الصادق علیه السلام «إذا كان يوم النيروز فاغتسل والبس انظف ثيابك و تطيب باطيب طيبك و تكون ذلك اليوم صائما» (6)

هرگاه نوروز فرا رسد غسل کرده و پاکیزه ترین لباسهایت را پوشیده و از معطرترین عطرهاست استفاده کن و آن روز را روزه بگیر.

2. هدیه دادن

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین نقل شده که فرمودند «اتی علی علیه السلام بهدية النيروز فقال علیه السلام ما هذا؟ فقالوا یا امیرالمؤمنین الیوم النیروز! فقال علیه السلام اصنعوا کل یوم نیروزا» (7)

در روز نوروز هدیه ای برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام آورده شد. حضرت فرمودند این هدیه چیست؟ آنان پاسخ دادند امیرالمؤمنین امروز نوروز است امام فرمودند: هر روز را برای ما نوروز کنید. در هدیه آنچه مهم است، ارتباط روحی و ایجاد محبت است نه مقدار و کیفیت ... و در این زمینه نباید به تکلف افتاد.

امام صادق علیه السلام در مورد اهمیت هدیه می فرماید: «تهادوا تحابوا فان الهدية تذهب بالضعائن.»

به یکدیگر هدیه دهید تا بین شما محبت ایجاد شود زیرا هدیه کینه ها را از بین می برد.

3. تکبیر

پیامبر اکرم(ص) در مورد یاد و ذکر خدا در اعیاد چنین می فرماید: «زینوا اعیادکم بالتکبیر»

اعیاد خود را با یاد و ذکر عظمت خدا زینت دهید.

4. صله رحم و دیدار با دوستان

در این روز ارتباط با بستگان و فامیل از اعمال نیکو و شایسته است، در روایات، نتایج و آثار فراوانی برای صله رحم بیان شده است قال الباقر علیه السلام «صلة الارحام تزکی الاعمال و تنمی الاموال و تدفع البلوی و تنسیء الاجل» (9)

ارتباط با خویشان، اعمال را پاکیزه می کند، دارائیه را افزایش می دهد و بلاها را دور می کند و مرگ آدمی را به تاخیر می اندازد.

اگر افرادی از بستگان قطع ارتباط کرده باشند، مناسب است انسان مؤمن در ایجاد ارتباط پیشقدم شده و به کینه توزیها و وسوسه های شیطان پشت پا بزند، رسول گرامی اسلام می فرماید: «صل من قطعک و احسن الی من اساء الیک و قل الحق و لو علیک» (9)

با آنکه با تو قطع ارتباط کرده، ارتباط ایجاد کن و آنکس که به تو بدی کرده به او نیکویی بنما و حق را گرچه به ضررت باشد اظهار کن.

علاوه بر دیدار از فامیل، دیدار و زیارت برادران دینی ارزش بسیاری دارد، چنانکه در روایت آمده که زیارت برادر دینی، زیارت خداوند محسوب می شود. قال الصادق علیه السلام «من زار اخاه فی الله، قال الله عزوجل ایای زرت و ثوابک علی و لست ارضی لک ثوابا دون الجنة» (10)

هرگاه کسی برادرش را در راه خدادیدار کند، خداوند می فرماید: تو مرا زیارت کردی و پاداش تو بر من است و برای تو ثوابی کمتر از بهشت راضی نمی شوم.

محمد رضا ضمیری

پی نوشتها

(1) سوره بقره(2)، آیه 243.

(2) مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، ج 56، ص 92

(3) بحارالانوار ج 56 ص 100. ابن شهر آشوب، المناقب ج 4 ص 319

(4) همان.

(5) المذهب البارع به نقل از بحارالانوار ج 56 ص 117

(6) محمد ری شهری، میزان الحکمة ج 7 ص 132

(7) شیخ صدوق من لایحضر الفقیه ج 3 ص 219

(8) بحارالانوار ج 56، ص 100 المناقب ج 4 ص 319

(9) محمد ری شهری میزان الحکمة ج 4 ص 84

(10) همان، ج 7 ص 86

(11) همان، ج 7 ص 297

منبع: پایگاه اطلاع رسانی تبیان